

دکتر منصور خلعت‌بری

متخصص جراحی عمومی و مشاور سازمان پزشکی قانونی کشور

زینت بخش شیشه اتمبیل خود می‌نمایند. اینان در این کار هدف دیگری دارند هنگام ضرورت اتمبیل خود را در نقاط ممنوعه پارک می‌کنند و به احترام کادوسه از پرداخت جریمه معاف می‌شوند.

اعتقاد کلی بر این است که دو مار نشانه تعادل و توازن است.

یک مار نماینده علوم تجربی و طبیعی و مار دیگر علامت فضیلت اخلاقی و نیروی معنوی.

صاحب‌نظران تاریخ پزشکی عقیده دارند پزشکانی که در شکل کادوسه فقط یک مار ترسیم می‌نمایند به جنبه اخلاقی و الهی پزشکی دلبستگی نداشته از این رو آن را حذف نموده‌اند.

نباید فراموش کنیم که اولین شفا دهندگان پیغمبران یا نمایندگان مستقیم خداوند بودند

کادوسه یا علامت پزشکی تصویر دو مار است به دور یک محور قائم این علامت که نصب آن بر روی هر چیزی مشخص کننده ارتباط آن با دنیای پزشکی است ظاهراً خیلی عادی به نظر می‌آید ولی اگر علاقمند به دانستن فلسفه ایجاد و دلیل بکار بردن آن باشیم باید بدانیم که تاریخچه‌ای اسرارآمیز دارد. گاهی اوقات کادوسه را به گونه‌های متفاوت از شکل اصلی می‌بینیم زیرا در پاره‌ای از نقاط جهان گروه‌های مختلف پزشکی متناسب با سلیقه و ذوق خود در آن تغییراتی به وجود آورده‌اند عده‌ای به گمان زیباتر نمودن آن را فقط با یک مار ترسیم می‌کنند.

بر روی بسته‌های داروئی این خزنده را در حال نوشیدن از پیاله‌ای مشاهده می‌کنیم. بعضی از پزشکان اشکال گوناگون آن را

مجله علمی پزشکی قانونی / سال چهارم / شماره پانزدهم

به دنبال ریشه لغوی کادوسه می‌رویم کادوسه از واژه لاتین کادوسوم<sup>(۱)</sup> گرفته شده که خود ریشه یونانی دارد و معنای آن بشیر و قاصد است. ولی چه ارتباطی این بشیر، آورنده پیامها، اعلام‌کننده مبارزات تن به تن، بیک اعلان جنگها و مخبر جشنهای بزرگ با نماد پزشکی (کادوسه) دارد؟ بر ما معلوم نیست؟ ما می‌کوشیم در حدود مقدور آن را مورد بررسی قرار داده و شاید از این رهگذر به فلسفه وجودی کادوسه پی ببریم لازم به یادآوری است که در ریشه کلمه کادوسه معنای خروس نیز وجود دارد که پیام‌آور آفتاب است.

## نگاهی اجمالی به تاریخ نماد پزشکی

طبق تصویب نامه ۱۹ Pluioise<sup>(۲)</sup> معادل ۷ فوریه ۱۷۹۸ این نماد به عنوان علامت بهداری نیروی دریایی فرانسه برگزیده شد و بر روی دکمه لباس افسران این صنف نقش بست بعداً در ۷ اوت ۱۷۹۸ این نماد برای تمام افسران بهداری ارتش فرانسه تعمیم یافت.

مار این نماد به دور سه میله حلقه شده بود و هر یک از میله‌ها نمایشگر یکی از سه

و در امر درمان از نیروی لایزال الهی سود می‌جستند. آنها که در عین حال پیشوای مذهبی و صاحب قدرت در جامعه بودند در فروتنی گوی سبقت از همگان می‌ربودند و هیچگاه در راه کبر و خودستائی گام برنداشتند.

این منتقدین می‌گویند اعتقاد بر نیروی معنوی و پایبند بودن به اصول اخلاقی موجب خواهد شد تا در کار پزشکی صاحب بصیرت گردیم و از نیروی موهبتی برخوردار شویم. در این صورت چرا باید با حذف یک مار جنبه تقدس پزشکی را نادیده بگیریم.

اما حقیقت غیر از این است وجود یک مار یا دو مار مطرح نیست.

کادوسه هر چه که باشد خود به تنهایی برای بیان دانش و حذاقت پزشک کفایت می‌نماید و برای مردم نیز می‌تواند نشانه اعتماد و اعتقاد باشد اما چرا مار، این جانور خزنده لزج که بنا بر روایتی دستیار شیطان می‌باشد به درو یک محور عمودی پیچیده است.

محوری که اگر یک درخت نباشد دستکم یک قطعه چوب است شاید یک درخت سیب و یا باقیمانده یک درخت مو باشد. به هر تقدیر داستان مار و درخت در تاریخ ادیان نقش مهمی داشته و در ادبیات و هنر به حد افراط رسوخ نموده است.

۱- Caduceum

۲- نسام یکی از ماهها براساس نام‌گذاری انقلابیون در انقلاب کبیر فرانسه

از میلاد مسیح مراسم مذهبی خاصی به منظور پرستش، انجام می‌گرفت که تحت عنوان آسکلپسیا<sup>(۲)</sup> نامیده می‌شد و علت این نامگذاری این بود که شهر وقف اسکولاپیوس<sup>(۳)</sup> یعنی همان اسکولاپ است.

از دیدگاه اسطوره شناسی اسکولاپ یکی از ساکتان المپ می‌باشد و نویسندگان به روایات مختلف داستان این نیمه رب‌النوع را نقل کرده‌اند. یکی از این افسانه‌ها می‌گوید که اسکولاپ پسر کورونیس میرنده<sup>(۴)</sup> و کورونیس دختر فلژیاس<sup>(۵)</sup> پادشاه تسالی<sup>(۶)</sup> بوده است. کورونیس ندانسته و نشناخته بوسیله آپولون<sup>(۷)</sup> خدای روشنایی و هنر فریب‌خورده و آبستن می‌شود. کورونیس سپس به یک میرنده ساده و معمولی به نام ایسکیس<sup>(۸)</sup> دل می‌بندد.

آپولون خشمگین شده و معشوقه بی‌وفا را می‌کشد و جسدش را بر طبق رسوم زمان به قصد سوزاندن بر روی تل هیزم شعله‌ور می‌گذارد. اما ناگهان این رب‌النوع از کرده خود پشیمان می‌شود و زهدان معشوقه

رشته هنر درمانگری (طب داخلی - جراحی - داروسازی) بودند و بر روی میله‌ها خروسی که علامت بیداری حکومت فرانسه بود قرار داشت.

همانطور که دیدیم کادوسه در زبان یونانی برای دو معنای قاصد و خروس ریشه مشترکی دارد. در افسانه‌های هند خروس مثل طاووس نه تنها نمایشگر آفتاب و سلطنت است بلکه نشان دهنده قدرت پیش‌گیری از امراض و پادزهر نیز می‌باشد. بعدها به تدریج علامت کادوسه از طرف ارتش کشورهای دیگر نیز پذیرفته شد. در ۲۳ آوریل ۱۸۶۸ هیأت وزیران آلمان مقرر داشت تا پزشکان پروس میله طلائی اسکولاپ (رب‌النوع پزشکی) را به عنوان نشان پزشکی به لباس خود بیاویزند. در انگلستان از تاریخ ۱۸۹۸ میله مارپیچ اسکولاپ یا کادوسه به عنوان نماد پزشکی منحصراً برای پزشکان و نه برای داروسازان مورد استفاده قرار گرفت. با اندک تفاوتی در شکل کادوسه یعنی نصب یک مار بجای دو مار بر روی میله اسکولاپ این علامت از طرف کشورهای سوئیس، ایتالیا، بلژیک و آمریکا نیز به عنوان نماد پزشکی شناخته شد. در یونان است که ما می‌توانیم ریشه تاریخی آن را بیابیم. کاوشهایی که در اپیدور انجام گرفته نشان می‌دهد که در معبد اسکولاپ<sup>(۱)</sup> در ۹ قرن قبل

- ۱- Esculape
- ۲- Aesculpaius
- ۳- Aesculapius
- ۴- Coronis
- ۵- Phlegyas
- ۶- Tkessalie
- ۷- Apollon
- ۸- Ischys

جراح نیز بود. سینه باز می‌کرد و تیر از بدن بیرون می‌کشید و گاهی سر از تن جدا شده را دوباره بهم متصل می‌کرد. گفته‌اند حتی قادر بود مرده را زنده کند. هادس<sup>(۱۴)</sup> رب‌النوع جهنم که قلمرو حکومتش مورد تهدید قرار گرفته و بازاریش کساد شده بود. نزد زئوس<sup>(۱۵)</sup> خدای خدایان شکایت از او برد و به این شفاگر اعجاب‌انگیز که نظم و ترتیب طبیعت را بهم زده بود سخت حمله کرد. زئوس بر آشفت و به رعد دستور داد تا این خداوند دارو و درمان را هلاک نماید. آپولون پدر اسکولاپ کینه به دل می‌گیرد و به انتقام قتل فرزند سیکلوپ‌ها<sup>(۱۶)</sup> را که غول یک چشمی بودند و برای زئوس رعد می‌ساختند نابود می‌کند ظاهراً به همین دلیل بود که مدتی

بی‌وفا را می‌شکافد و بچه زنده و سالم را از آن بیرون می‌کشد و برای پرورش تحویل شیرون<sup>(۱)</sup> می‌دهد. شیرون ثمره عشق کرونوس<sup>(۲)</sup> و فیلیر<sup>(۳)</sup> پری‌دریایی بوده و از این روشکی عجیب یعنی نیمی انسان و نیمی اسب داشته است. شیرون در عقل و دانش بسیار مشهور بود. او شاگردان و معتقدان زیادی داشت که تعدادی را نام می‌بریم. کاستور<sup>(۴)</sup> و پولوکس<sup>(۵)</sup> پسران زئوس خدای خدایان و قهرمانان افسانه‌ای یونان باستان. پله<sup>(۶)</sup> پادشاه افسانه‌ای یولکس<sup>(۷)</sup> در شمال یونان و پدر آشیل. آشیل<sup>(۸)</sup> پسر پله و تیتس<sup>(۹)</sup> مشهورترین قهرمان جنگ تروا<sup>(۱۰)</sup>. در ادبیات خشم آشیل و پاشنه آشیل شهرت فراوان دارد نستور<sup>(۱۱)</sup> پادشاه پیلوس و یکی از سرکردگان جنگ تروا و خردمندترین آنها و اولیس<sup>(۱۲)</sup> پادشاه افسانه‌ای ایதாக (در آسیای صغیر) و یکی از قهرمانان جنگ تروا و کتاب اودیسه<sup>(۱۳)</sup> هومر شرح بازگشت اولیس به کشورش است. اسکولاپ در مکتب شیرون صنعت داروسازی و شیوه استفاده از گیاهان داروئی را آموخت و در پرتو استعداد ذاتی خویش به سرعت مهارت فوق‌العاده‌ای یافت. درباره قدرت این نیمه رب‌النوع و مبتکر علم پزشکی افسانه‌ها گفته‌اند. او شربت تجویز می‌کرد و قطره در چشم بیماران می‌ریخت و داروهای مختلف دستور می‌داد. می‌گویند او

- ۱- Chiron
- ۲- Coronos
- ۳- Philyre
- ۴- Castor
- ۵- Pollux
- ۶- Pelee
- ۷- Iolcos
- ۸- Achille
- ۹- Thetis
- ۱۰- Troie
- ۱۱- Nestor
- ۱۲- Ulysse
- ۱۳- Odyssee
- ۱۴- Hades
- ۱۵- Zeus
- ۱۶- Cyclopes

مجموعه علمی پزشکی خانواده / مسائل و مفاهیم / شماره پانزدهم

می‌دهد: «شتاب کن، یک طبیب ارزش چندین مرد را دارد، زیرا او می‌تواند تیرها را از بدن خارج کند و زخمها را درمان نماید.»

تروآ<sup>(۱۰)</sup> یا ایلین<sup>(۱۱)</sup> قسمتی از آسیای صغیر است که طبق روایات هومر در کتاب ایللیاد به منظور پس گرفتن هلن ده سال تمام در محاصره یونانیها بود. ماشاون هواخواه هلن بود و نیز او بود که برای ورود به تروآ خود را در شکم اسب تروآ پنهان کرد. هلن<sup>(۱۲)</sup> شاهزاده خانم یونانی بود که ربوده شدنش توسط پاریس شاهزاده تروآ جنگ تروآ را بوجود آورد. اسب تروآ اسب چوبی عظیمی بود که یونانیها به دستور کالکاس<sup>(۱۳)</sup> یکی از فرماندهان آن را ساختند و سربازان خود را در شکم آن جا داده به طرف تروآ که از این نیرنگ جنگی بی‌خبر بودند اسب چوبی را به داخل شهر راهنمایی کردند.

با این خدعه تروآ فتح و یونانیان پیروز

آپولون به امر زئوس بر روی زمین به حال تبعید به سر می‌برد. اما اسکولاپ با وجود مرگ غم‌انگیزش افتخار این را پیدا می‌کند تا در جرگه خدایان درآید. اکنون اسکولاپ به رویای کسانی که در معبدش در اپیدور دعا کنند می‌آید و به آنان که از او طلب شفای بیماری و تسکین درد نمایند مدد می‌کند. در ایللیاد<sup>(۱)</sup> کتاب مشهور هومر<sup>(۲)</sup> شاعر افسانه‌سرای یونان در شرح جنگ تروآ چهره تابناک این نیمه رب‌النوع در حالیکه دو پسرش ماشاون<sup>(۳)</sup> و پودالیروس<sup>(۴)</sup> همراهش هستند به خوبی نشان داده شده است. دو پسر اسکولاپ در جنگ تروآ شرکت می‌کنند و به محضی که دوستانشان زخمی می‌شوند مبارزه را کنار گذاشته و به درمان زخمی‌ها می‌پردازند، در سرود پنجم ایللیاد فرمانده کل قوای یونانیان آگامنون<sup>(۵)</sup> برادر خود را که شوهر هلن بوده است به این عبارت دل‌داری می‌دهد «پسر اسکولاپ ترا مداوا خواهد کرد و به زخمهای جانفرسای تو مرحم خواهد گذاشت.» در سرود یازدهم ایللیاد خود ماشاون با تیری که توسط پاریس<sup>(۶)</sup> پرتاب می‌شود مجروح می‌گردد. پاریس یا الکساندر شاهزاده تروآ است و هم اوست که هلن<sup>(۷)</sup> زیبا را ربوده و جنگ تروآ را سبب شده است.

ایدومنه<sup>(۸)</sup> پادشاه کرت<sup>(۹)</sup> به نستور دربار ماشاون مجروح چنین دستور

- ۱- Iliade
- ۲- Homere
- ۳- Machaon
- ۴- Podaleiros
- ۵- Agamemnon
- ۶- Paris
- ۷- Helene
- ۸- Idonemee
- ۹- Crete
- ۱۰- Troie
- ۱۱- Ilion
- ۱۲- Helene
- ۱۳- Calchas

وی نسبت دادند. هنرمندان تصویر هیژی را که در حال غذا دادن به مار اپیدور است نقش نمودند و بعدها پیااله هیژی به عنوان نماد داروسازی برگزیده شد.

معروف است اسکولاپ در کار طبابتش از سگها و مارها کمک می گرفته است. او آنها را وادار می کرد تا دملهای بیماران را بلیسند و بکنند. در معبد این نیمه رب النوع خزندگان برای استفاده در امر درمان پرورش داده می شدند و در کتیبه های به جا مانده آثار آنها باقیست. بیمار قبل از ورود به معبد می بایستی خود را از همه چیز پاک نماید.

پاکی جسم و پاکی روان هر دو پاک نمودن بدن از راه شستشو، مالش دادن و دود دادن میسر می شد ولی برای پاکی روح لازم بود روزه های طولانی بگیرند.

به علاوه بیمار نیز شخصاً با دعا خواندن و تقدیم هدایا و پیشکش های دیگر به خدایان در امر درمان شرکت می کرد.

شدند. ماشاون به کمک برادرش پودالیروس که او نیز طیب بود توانستند زخم ده ساله فیلوکتت<sup>(۱)</sup> را که در اثر زوبین هراکلس<sup>(۲)</sup> نیمه خدای یونانی و فرزند زئوس بوجود آمده بود معالجه کنند از پسران اسکولاپ ماشاون توسط اوری پیلوس<sup>(۳)</sup> کشته شد و به دستور نستور<sup>(۴)</sup> خاکستر مقدسش در معبد ژرینا<sup>(۵)</sup> معبدی که بیماران برای شفا بدانجا روی می آوردند نگهداری شد. پسر دیگر اسکولاپ پودالیروس پس از پایان جنگ تروآ از راه خشکی به کولوفون<sup>(۶)</sup> یکی از شهرهای آسیای صغیر رفت و در معبد دلف<sup>(۷)</sup> مشیت خدایان را استفسار نمود و سپس در کاری<sup>(۸)</sup> کشوری در آسیای صغیر کنار دریای اژه<sup>(۹)</sup> اقامت گزید. اولاد و اعقاب او پزشکان مشهور یونانی بودند که از طریق توارث به اسرار دارو و درمان آگاه می شدند. بدین ترتیب خاندان مقدس اسکولاپ همواره در پیدایش و پیشرفت علم پزشکی کوشش می نمودند.

لازم به یادآوری است که لینه<sup>(۱۰)</sup> طبیعی دان سوئدی دو نوع از زیباترین پروانه هائی را که کشف نموده بود بنامهای ماشاون و پودالیر نامگذاری نموده است. در حدود قرن ششم قبل از میلاد یونانیها و رومیها مشترکاً بجای اسکولاپ، هیژی<sup>(۱۱)</sup> الهه سلامتی را برای پرستش برگزیدند و معتقد بودند هیژی دختر اسکولاپ است و مار اپیدور را نیز به

- ۱- Philloctete
- ۲- Heracles
- ۳- Eurypylos
- ۴- Nestor
- ۵- Gerenia
- ۶- Colophone
- ۷- Delphes
- ۸- Carie
- ۹- Egee
- ۱۰- Linne (1707-1778)
- ۱۱- Hygie

نیمه علمی پزشکی / مقاله چهارم / شماره پانزدهم

یونانیها معتقد بودند اسکولاپ بسیار ساده و بی تکلف و مانند پزشکان خاص دهکده با بیماران صمیمانه و بی‌پیرایه حرف می‌زند و در امر درمان آنان را از خود و خود را از آنان جدا نمی‌داند. در کتیبه‌ها از شرح معالجات اسکولاپ به تفصیل سخن رفته است. در این توصیف گاهی جانب‌گراف گرفته شده و از معالجاتی بحث شده که بیشتر به معجزه شبیه است، می‌دانیم که بحث درمان از معجزه جدا است و از این رو مشکل است آنها را پذیرفت، پرستش اسکولاپ نخست در تریکا<sup>(۳)</sup> زادگاه اسکولاپ و پودالیر آغاز شد و به تدریج در سراسر ژرینا متداول گشت و بعد در اپیدور که معروفترین معبد جهان در آن قرار داشت رواج یافت. از سکه‌هایی که از آن زمان بجا مانده چنین استنباط می‌شود که از جانب مردم پیش‌گشی و هدایائی به مارهای اسکولاپ تقدیم می‌شد. بر روی این سکه‌ها تصویر اسکولاپ و مارهایش را می‌توان مشاهده نمود.

طبق عقاید کاهنان معبد، این مارها شب هنگام به بستر بیماران می‌رفتند و به مداوای آنها می‌پرداختند. آوازه شهرت مارهای اپیدور کم‌کم به سایر کشورها رسید و بدین

پس از انجام دقیق این مراسم بیمار در معبد پذیرفته می‌شد و اسکولاپ بر آنهایی که شایسته می‌دانست ظاهر می‌شد و یا به خوابشان می‌آمد.

متولیان معبد اسکولاپ اعتقاد داشتند که اسکولاپ برای درمان بیماران و کمک به آنها حاضر شده است حتی در منزل نیز از آنان عیادت کند. اسکولاپ رب‌النوع خوش‌قلبی است و اگر بیماری کم بضاعت باشد با حق‌الزحمه مختصر هم راضی می‌شود و حتی فقرا را به رایگان درمان می‌کند. ولی اگر بیمار از استطاعت مالی برخوردار باشد اسکولاپ قبلاً حق معاینه را مطالبه می‌کند و کسانی را که در پرداخت حق‌العلاج بدقولی کنند سخت مجازات خواهد نمود. به همین دلیل بود که اشدور<sup>(۱)</sup> مورد تنبیه واقع شد. داستان از این قرار است که پانداروس<sup>(۲)</sup> برای معالجه لکه پیشانی خود طبق تعهدی که نموده بود مبلغی به توسط اشدور نزد اسکولاپ می‌فرستد.

اشدور به پول گزاف چشم طمع می‌دوزد و قسمتی از آن را برای خود نگه می‌دارد و مابقی را به دروغ که تمامی پول همین است به اسکولاپ تقدیم می‌کند اسکولاپ که خود رب‌النوع و آگاه از ماجرا بود غضبناک می‌گردد و برای کیفر این گناه لکه پیشانی پانداروس را برداشته و در پیشانی اشدور قرار می‌دهد.

۱- Echedore

۲- Pandaros

۳- Tricca

درباره مشخصات جسمی و اندام اسکولاپ پیکر تراشان یونانی او را مردی بسیار قوی با سینه‌های فراخ و شانه‌های پهن و استخوان‌بندی محکم نشان داده‌اند ولی مجسمه‌سازان بعدی این رب‌النوع را که خود نماینده و مشخص‌کننده سلامتی و بهداشت است خیلی قادر و آرام و نه مانند پهلوانان مجسم داشته‌اند. از آن پس هر چه رمان پیش می‌آید اسکولاپ ظریف‌تر می‌شود و تغییراتی در آن بوجود می‌آید. در گذشته اگر بر گرز بزرگی تکیه می‌کرد در مجسمه‌های بعدی به چوبدستی استوانه‌ای شکلی متکی است.

این چوبدستی کم‌کم تراشیده‌تر و نازک‌تر می‌شود و رفته‌رفته این عصای گره‌دار و زمخت زائر جایش را به عصای ظریف اشراف می‌دهد. این عصای چوب زیتون را دو مار زینت می‌دهند که به آن آویزانند. این نماد غالباً به جای نماد مرکور رب‌النوع تجارت گرفته می‌شود. در نماد رب‌النوع تجارت دو مار به دور میله‌ای که در رأس آن دو بال باز شده قرار دارد سه نیم دایره تشکیل داده‌اند. این بالها شاید بالهای کبوتر پیغام‌بر برای رب‌النوع تجارت باشند.

ترتیب معتقدانی پیدا شدند. به همین دلیل بود که در سال چهارصد و شصت پس از تأسیس رم وقتی که طاعون وحشتناکی این شهر را مورد تهدید قرار می‌داد، رومی‌ها ده نفر از بزرگان قوم را به رهبری اوگولنیوس<sup>(۱)</sup> به اپیدور گسیل داشتند و به منظور دفع بلای طاعون یکی از مارهای مقدس را خواستار شدند. این مار در تمام طول مسافرت خود را به دور میله‌ای پیچیده بود و وقتی که به رود تیبر<sup>(۲)</sup> رسید خود را به آب انداخت و شناکتان به ساحل دیگر رسید. به گفته مورخین به محض اینکه مار اسکولاپ به رم رسید بیماری طاعون از آن شهر رخت برپست. پاره‌ای از مورخین منجمه اووید<sup>(۳)</sup> (شاعر لاتن) را عقید بر این است که اسکولاپ شخصاً خود را بصورت مار در آورده به رم آمد تا رومیان درمانده را معالجه کند. در هر صورت رومیان در قبال این نیکوکاری و به احترام رب‌النوع شفادهنده در نقطه‌ای که مار مقدس خود را به رود تیبر انداخته بود بنای یادبودی برپا ساختند. این بنا عبارت از میله‌ای بود که مار اپیدور خود را به دور آن پیچیده داشت، پلین<sup>(۴)</sup> طبیعی‌دان رومی (۲۳-۷۹ بعد از میلاد) می‌نویسد به همین مناسبت عده زیادی از خانواده‌های رومی در خانه‌های خود مار پرورش می‌دادند و به اپیدوری معروف بودند.

۱- Ogulnius  
۲- Tibre  
۳- Ovide  
۴- Pline



بود که مار محکوم به خزیدن شده صحنه اغوا کردن حوا به لذائذ شهوانی تا حدودی وجه اشتراک با داستان بابلی‌ها دارد که در آن مار (کروبی) پاسدار راهی است که به درخت زندگی منتهی می‌شود تصاویر میتزائی که به دست ما رسیده نشان‌دهنده این است که مار پاسدار سرزمین خدایان بوده و به دور سنگی که نمایشگر قوه باروری است پسچیده است. این خزننده پرتحرک که آنی از جنبش باز نمی‌ایستد روح حرکت و حیوانی کاملاً زمینی دارد.

برطبق «سفر اعداد»<sup>(۲)</sup> و «انجیل یوحنا»<sup>(۳)</sup> مارگزیده فقط یک راه برای نجات خود دارد و آن نگاه کردن به مار مفرغی است که علامت موسی است.

بدین ترتیب خداوند هم درد و هم درمان آنرا یک جا در مار مفرغی موسی مجسم کرده است.

این امر خیلی به طرز معالجه اسرارآمیز ودا<sup>۲</sup> شبیه است که می‌گویند: «با کمک زهر من زهر ترا درمان خواهم کرد».

با ذکر نام مسیح مار رانده می‌شود و مریم مقدس و سایر مقدسین می‌توانند اثر زهر این خزننده را که در اثر لعنت خداوند به

به مرور زمان مرکور رب‌النوع رومی تجارت با هرمس رب‌النوع یونانی تجارت، فصاحت و پیغام‌بری یکی می‌شود. در حدود قرن پنجم قبل از میلاد مسیح این افسانه رواج می‌یابد که مرکور رب‌النوع تجارت برای جدا کردن دو مار که با هم جنگ و ستیز داشتند میله‌ای در میان آنان قرار می‌دهد و بدین ترتیب نمایشگر صلح در افسانه‌ها بوجود می‌آید. یادآوری تمام افسانه‌های مربوط به نماد پزشکی از حوصله این مقاله خارج است.

فقط خاطر نشان می‌سازیم که از زمانهای بسیار قدیم افسانه‌های فراوانی در این باره وجود دارد. در ویرانه‌های بابل جامی بدست آمد که مخصوص اهداء شراب به خدایان بود. بر روی دسته این جام دو مار پیچیده بهم منقوش است بر پشت آن جمله «برای طولانی بودن زندگی» به چشم می‌خورد. این جام اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود. فنیقی‌ها دو خزننده را در حال پیچیدن به درخت زندگی تصویر می‌کردند.

در سرزمین گل<sup>(۱)</sup> به نظر می‌آید پرستش کادوسه بقایائی از افسانه‌های ماقبل تاریخ باشد.

مار = مار و سوسه‌گری که در کتاب آفرینش توصیف شده و به حوا توصیه می‌کند که میوه ممنوعه را بخورد به نظر نمی‌آید با مار نماد پزشکی ارتباطی داشته باشد، اما نباید فراموش کنیم که در اثر خشم خدای متعال

۱- Gaule

۲- کتاب بیست و یکم آیات ۹-۶

۳- کتاب دوازدهم آیه ۳۲

۳- کتاب مقدس هندیان به زبان سانسکریت

آنی و زودگذر پدیدار می‌شود. شاید هم مار درخلاء ظلمت در آن آینه حقیقت نظاره می‌کند و در آن نمونه کامل عیار ابدیت را می‌بیند.

تصویرها بر روی آینه ظاهر می‌شوند ولی دیر نمی‌پایند و زود می‌گذرند.

### کادوسه و دانش پزشکی

دو مار که با یکدیگر می‌جنگند نمایشگر بی‌نظمی و درهم برهمی هستند. بایستی آنها را از هم جدا کرد، یعنی بین آنها تعادل و نظم ایجاد نمود جهات اختلاف و ستیزه‌شان را دریافت. سرانجام دو نیروی متخاصم در یگانگی حل می‌شوند و میله محور بین آنها نظم و تعادل را به وجود می‌آورد.

از نقطه نظر کیمیاگری آشتی کردن دو حیوان متخاصم اتحاد بین ضدین و توافق میان آب و آتش می‌باشد. و به عبارت دیگر اتحاد بین تفرقه و وحدانیت، دوگانگی و یگانگی است. اتحاد آنها نمایشگر مهر سلیمان یعنی نمایشگر اتحاد آسمان و زمین است. بنابر فلسفه فوق محور قائم در کادوسه پایه‌ای است که دو مار را به هم متحد می‌کند. این نقش بر سردر گچ‌بریهای کلیسای نتردام مشاهده می‌شود.

نتیجه: آیا کادوسه نموداری از مار شفادهنده موسی است که از سوی خداوند

خزیدن محکوم شده است از بین ببرند. این مار که می‌تواند هم مرگ بدهد و هم درمان کند تأثیر زیادی در عقاید مذهبی و ادبیات داشته است این حیوان مقدس نمایشگر زندگی است او که قدرت درمان دارد و می‌تواند از مرگ پیشگیری کند، وقتی که به دور خود حلقه می‌زند و دمش را به دهان می‌گیرد بصورت عین زندگی و فناشدنی در می‌آید. او تجسم هستی و علامت جاودانی همه چیز می‌شود مارها نقش مهمی در امور ماوراءالطبیعه داشته و آدمیان را به این امور واقف می‌کردند. برطبق نظر پاره‌ای الهیون مار مجسم کننده بدی نیست بلکه پیک کشف و شهود روح نورانی یعنی عیسی است.

مار - نمایشگر دوران‌دیشی = از این نشانه دوران‌دیشی مار نماد حزم و احتیاط بوجود آمد و آن عبارت از آینه‌ای است دستی که به دور دسته آن ماری پیچیده است.

بدینسان در بالای اوراق رسمی شورای اجرائی حکومت انقلابی فرانسه (۱۷۹۵) علامتی می‌بینیم که عبارت است از تصویر خروس در بالا و نماد پزشکی در طرف راست (البته دو مار) و نماد حزم و احتیاط در طرف چپ. این علامت بر روی تمام مبله‌های دولتی که از آن زمان بجا مانده است. به چشم می‌خورد. آئینه در اینجا نمایشگر قدرت همه‌جانبه پروردگار است که در آن این دنیای موهوم و خیالی بصورت تصاویر

مجله علمی پزشکی قانونی / سال چهارم / شماره پانزدهم

فلسفه معنوی و عرفانی علم پزشکی است. کادوسه نشان‌دهنده چشمه پاک آب زندگی است. ولی تنها دست‌یابی بدان کافی نیست بلکه انتقال و نحوه استفاده از آن نیز ضرورت دارد.

کادوسه خود این انتقال را به عهده می‌گیرد از این رو گاهی بصورت بشیر و قاصد خدایان و زمانی به شکل مار مفرغی موسی در می‌آید.

اگر مرکور سخن خدایان را تفسیر می‌کند و اگر هرمس پیشوای صلح و آشتی است کادوسه از هر دو این قدرتها برخوردار است. مار چه دور درخت به پیچد و چه دور محور زمین، چه به طبقات بالای آسمان رود و چه به اعماق زمین، نمایشگر دو جنبه خوب و بد هر چیز است که در شکلی واحد تکمیل می‌شود.

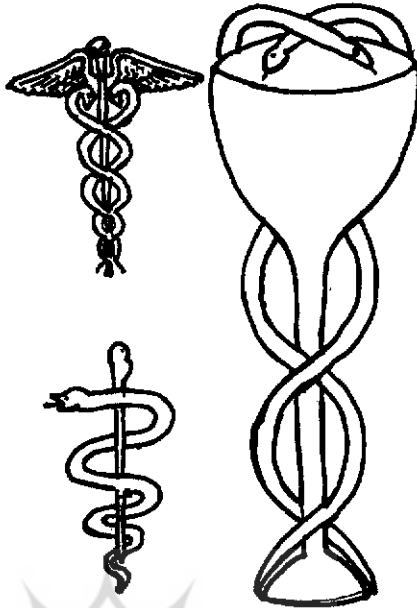
بنابراین حقیقت یکی بیش نیست و برای رسیدن به آن فقط یک راه وجود دارد. راهی سخت، تنگ و تاریک ولی مستقیم و بدون پیچ و خم. در پایان این راه است که به معجزاتی عظیم می‌توان دست یافت.

نازل شده؟ علامت صلح و آشتی است که پادشاهان و سرداران لشکر به خود می‌آویختند؟ آیا نمایشگر باروری است یا نماد حزم و احتیاط؟

میله کادوسه در میان دو مار قرار گرفت و آنها را که به نظر در حال جنگند با هم آشتی داده است ولی این ظاهر امر است. در حقیقت دو نیروی مقابل هم و به عبارت دیگر دو جنس مخالف مکمل یکدیگرند و میله عمودی کادوسه به دلیل راست و مستقیم بودنش قادر به گشودن هر مشکلی است. کادوسه نمایشگر اتحاد است. خزنده نر که به روی دمش نشسته خواه با ماده‌اش پیچیده باشد و خواه نباشد معرف جنسیت است. از این رو کادوسه نشان‌دهنده پیوستگی جاودانی دو جنس است.

حاصل پیوستگی دو جنس برابر آفتاب و آسمان باروری است و این شیره حیات است که فوران می‌کند و در پیاله داروسازان قرار می‌گیرد.

این درخت زندگی است که با نیروی توانا و بارور خود داروی اسرارآمیز آب حیات می‌بخشد و زندگی جاوید می‌دهد. این خود



گونه‌های مختلف نماد پزشکی

### منابع

- ۱- تاریخ دنیای قدیم یونان باستان  
تألیف: فنودروکورو فکین، ترجمه: غلامحسین متین ۱۳۵۹.
- ۲- تاریخ پنجهزار سال پزشکی  
تألیف: گرهارد فنتزمر، ترجمه: سیاوش آگاه ۱۳۶۶.
- ۳- نشریه دو هفتگی انجمن پزشکان ایران ۱۳۵۱.
- ۴- مجله *Medicine De France* ۱۹۷۱.
- 5 \_ *Greek Mythology and Religion* Mari. Mavremataki 1997.
- 6 \_ *Principles and Practice of Forensic Psychiatry* Robert Bluglass Paul Bowen 1990.
- 7 \_ *Argo Sarinikos, Tourist Guide* 1975, George Vogiadzis.
- 8 \_ *Greece Peloponnese*, Greek National Tourist Organization 1991.
- 9 \_ *Dorland's Illustrated Medical Dictionary* 1994.
- 10\_ *The New Encyclopedia Britannica, Volume 2*, 1994.

مجله علمی پزشکی خانواده / سال چهارم / شماره پانزدهم